

اثربخشی آموزش مهارت حل مسئله بر کاهش میزان تعارضات همشیران

فریبرز صدیقی ارفعی^۱، محبوبه خنشان^۲، ریحانه تابش^۳

۱. دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه کاشان، ایران. (نویسنده مسئول).

۲. کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه کاشان، ایران.

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه کاشان، ایران.

مجله پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری، دوره ششم، شماره پنجاه و چهار، سال ۱۴۰۰، صفحات ۶۲۶-۶۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۱۹

تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۰۸/۰۷

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی آموزش مهارت حل مسئله بر کاهش میزان تعارضات همشیران در بین دانش‌آموزان پسر انجام گرفت. روش پژوهش آزمایشی و از نوع پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه گواه بود. جامعه آماری را کلیه دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه اول شهرستان کاشان تشکیل می‌دادند که از این میان تعداد ۳۰ دانش‌آموز که حداقل دارای یک خواهر/برادر بودند (با سن ۴ سال به بالا و کسب نمره ۷۰ به بالا در پرسشنامه رابطه با خواهر/برادر) به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و گواه جایگزین شدند. به منظور گردآوری اطلاعات از پرسشنامه رابطه با خواهر/برادر (هودسون و همکاران، ۱۹۹۵) استفاده شد. سپس برنامه آموزش مهارت حل مسئله برای افراد گروه آزمایش طی ۸ جلسه ۶۰ دقیقه‌ای اجرا گردید. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون تحلیل کواریانس استفاده شد و یافته‌های حاصل نشان داد که آموزش مهارت حل مسئله بر کاهش تعارضات بین همشیران اثربخش بوده است. پیگیری نتایج در یک دوره ۲ ماهه نیز حاکی از ماندگاری اثر این آموزش بود. **کلیدواژه:** مهارت حل مسئله، تعارض، تعارض همشیران.

مجله پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری، دوره ششم، شماره پنجاه و چهار، سال ۱۴۰۰

مقدمه

خانواده کانون اصلی پرورش و مهم‌ترین محیطی است که در آن کودک پندارهای اولیه را درباره جهان فرامی‌گیرد، از لحاظ جسمی و ذهنی رشد می‌کند، هنجارهای رفتاری را یاد می‌گیرد، نگرش‌ها، اخلاق و روحیاتش شکل گرفته و به عبارتی اجتماعی می‌شود (بندورا، ۱۹۹۷؛ به نقل از پارسا و همکاران، ۱۳۹۳)؛ بنابراین برخورداری اعضای خانواده از سلامت روانی و داشتن روابط مطلوب با یکدیگر، اثرهای مثبتی را در پرورش فرزندان سالم به دنبال خواهد داشت؛ اما به‌رحال زندگی خانوادگی با چالش‌های متنوعی روبرو است و یکی از رایج‌ترین آن‌ها تعارضات همشیران است (استراوس^۱، ۲۰۰۶؛ تاکر و فینکلهر^۲، ۲۰۱۷). در حقیقت تعارضات و رفتارهای پرخاصگرانه خواهر و برادر توسط والدین به‌عنوان شایع‌ترین مشکل رفتاری در خانواده مشخص شده است (برودی و استونمن^۳، ۱۹۸۷؛ پروچسکا و پروچسکا^۴، ۱۹۸۵).

تعارض یکی از خصوصیات رابطه خواهر و برادری است (شوانولد و ایهینگر^۵، ۱۹۷۹) و در دوران کودکی و نوجوانی پدیده‌ای بسیار شایع می‌باشد (فرمن و باهرمستر^۶، ۱۹۸۵a، ۱۹۸۵b). منظور از این‌گونه تعارضات، اختلاف و درگیری بین فرزندان مانند درگیری‌های آشکار کلامی، رفتاری و نمونه‌های غیر آشکاری چون حسادت، رقابت و غیره است؛ به‌طوری‌که باعث آشفتگی در روابط اعضای خانواده شود (صادق حسن نیا و همکاران، ۱۳۹۴). درگیری خواهر و برادرها از ۱۸ ماهگی فرزند دوم به‌صورت رسمی آغاز می‌شود (دان و مان^۷، ۱۹۸۶) و در سال‌های پیش‌دبستانی، شیوع بیشتری پیدا می‌کند (کاسپی^۸، ۲۰۱۲).

در خصوص علت‌شناسی این پدیده تبیین‌های مختلفی وجود دارد. پژوهش‌های گوناگون به عواملی همچون توجه ناکافی والدین به فرزندان، حال و هوای عاطفی خانواده، چگونگی پاسخ والدین به دعوای خواهر و برادرها، رفتار متفاوت والدین با فرزندان و ویژگی‌های اخلاقی خواهر و برادرها اشاره کرده‌اند (ون‌لانگولد^۹، ۲۰۱۰؛ هابر^{۱۰}، ۲۰۱۰). دریکورس^{۱۱} (۲۰۰۰) نیز علت بسیاری از اختلافات را مبارزه بر سر کسب قدرت می‌داند. هنگامی که مقام و موقعیت شخصی توسط دیگری مورد تهدید قرار می‌گیرد کشمکش به‌صورت مبارزه برای کسب قدرت درمی‌آید و شخص درصدد بازیابی مقام ازدست‌رفته خود است. کندی^{۱۲} (۲۰۰۵) نیز منشأ تعارض بین خواهران و برادران را حس حسادت می‌داند. او حسادت را به‌عنوان یک عاطفه‌ی طبیعی در دوره‌ی پیش‌دبستانی می‌داند که موقعیت‌هایی که کودک در مرکز توجه دیگران نیست، می‌تواند برانگیزاننده آن باشد. اسپانگین^{۱۳} (۲۰۰۵) نیز در ریشه‌یابی

1. Straus

2. Tucker & Finkelhor

3. Brody & Stoneman

4. Prochaska & Prochaska

5. Schvaneveldt & Ihinger

6. Furman & Buhrmester

7. Dunn & Munn

8. Caspi

9. Van Langeveld

10. Huber

11. Dreikurs

12. Kenedy

13. Spangin

تعارضات خواهر و برادری به مقایسه کردن اشاره می‌کند. وقتی کودکی بر این باور است که برادر یا خواهرش توانایی بیشتری دارد یا بهتر از او می‌تواند رضایت والدین را جلب کند، برای برانگیختن تحسین و رضایت والدین دست به رقابت می‌زند و به تدریج از خواهر و برادر خود متنفر می‌شود (اسپانگین و ریچاردسون^۱، ۱۳۸۶).

تحقیقات مختلف نشان داده‌اند که درگیری و پرخاشگری خواهر و برادر با انواع مشکلات رفتاری درونی سازی شده (افسردگی و اضطراب) و برونی‌سازی شده (پرخاشگری و بزهکاری) مرتبط است (کیم و همکاران^۲، ۲۰۰۷؛ استوکر، بورول و بریگز^۳، ۲۰۰۲؛ تاکر و همکاران، ۲۰۱۳). برخی از تحقیقات نیز نشان داده‌اند که درگیری خواهر و برادر در دوران کودکی با خطر بروز رفتار ناسازگارانه در اواخر نوجوانی و اوایل بزرگسالی ارتباط دارد (بازو و همکاران^۴، ۲۰۱۴؛ بال‌لاک، بانک و بوراستون^۵، ۲۰۰۲؛ گارسیا و همکاران^۶، ۲۰۰۰؛ کیم و همکاران، ۲۰۰۷؛ استوکر و همکاران^۷، ۲۰۰۲) که این حاکی از ماندگاری اثرات تعارضات همشیران است. از طرفی محبت و علاقه میان خواهر-برادرها در دوران کودکی به‌طور مثبت و معناداری با همدلی و رفتارهای اجتماع پسند در دوره نوجوانی در ارتباط است (هارپر، پادیلواکر و جنسن^۸، ۲۰۱۶) و سهم بسیاری در رشد عاطفی و اجتماعی کودکان و نوجوانان دارد (شرودر و اشمیدبرگ^۹، ۲۰۱۵).

با توجه به پیامدهای طولانی‌مدت و آسیب‌زای تعارضات همشیران، مداخله زودهنگام در این خصوص حائز اهمیت است. از آنجاکه در مقایسه با کودکان پیش‌دبستانی، کودکان در سنین مدرسه توانایی‌های شناختی و اجتماعی بیشتری برای مدیریت و کنترل روابط دارند، می‌توان آموزش‌هایی را مستقیماً به خود فرزندان ارائه داد (تاکر و کازورا^{۱۰}، ۲۰۱۳؛ کرامر^{۱۱}، ۲۰۰۴). در این راستا یکی از مهم‌ترین روش‌های آموزشی در حل تعارض، روش حل مسئله است (دانش و همکاران، ۱۳۹۳). یادگیری حل مسئله به‌عنوان یک مهارت اجتماعی به فرد کمک می‌کند تا با روشی درست با مشکلات برخورد کند و راه‌حل‌های مختلفی برای رفع مشکل به‌کار گیرد. عقیده بر این است که آموزش مهارت‌هایی همچون حل مسئله، روابط خواهر و برادر را با یکدیگر تقویت می‌کند و از درگیری‌ها در آینده جلوگیری می‌کند (جانستون و فریمن^{۱۲}، ۱۹۹۸). درواقع در آموزش حل مسئله فرد می‌آموزد تا از مجموعه مهارت‌های شناختی مؤثر خود برای کنار آمدن با موقعیت‌های بین فردی مشکل‌آفرین استفاده کرده (احسان‌خواه و حیدریان، ۱۳۹۸) و راه‌حل‌های مؤثر و سازش یافته را شناسایی و کشف کند. در این تعریف، حل مسئله به‌عنوان یک فعالیت هدفمند، مجدانه و آگاهانه در نظر گرفته می‌شود (نزو و دزوریلا^{۱۳}، ۲۰۰۵). یکی از شیوه‌های آموزش مهارت حل مسئله استفاده از مدل حل مسئله دزوریلا و

¹. Spangin & Richardson

². Kim et al

³. Stocker, Burwell, & Briggs

⁴. Bowes et al

⁵. Bullock, Bank, & Burraston

⁶. Garcia et al

⁷. Stocker

⁸. Harper, Padilla-Walker & Jensen

⁹. Schröder, Schmiedeborg

¹⁰. Taker & Kazura

¹¹. Kramer

¹². Johnston & Freeman

¹³. Nezu, D'zurilla

گلدفريد^۱ (۱۹۸۲) است. در این مدل، واژه حل مسئله اجتماعی به فرایند حل مسئله در محیط طبیعی و دنیای واقعی اطلاق می شود (دزوریل و شیدی^۲، ۱۹۹۱) که با دو فرایند نسبتاً مستقل از هم تبیین می شوند: الف) جهت گیری مسئله؛ ب) مهارت حل مسئله. جهت گیری مسئله قسمت انگیزشی مسئله است، درحالی که مهارت حل مسئله فرایندی است که در آن شخص سعی می کند راه حل مؤثر با مسئله ویژه را از طریق کاربرد راهبردهای حل مسئله برگزیند. (شهبازی و حیدری، ۱۳۹۱).

مطالعات یو و همکاران^۳ (۲۰۰۵) و دالنیك و همکاران^۴ (۲۰۰۶) نقش آموزش مهارت حل مسئله را بر بهبود روابط با همسالان و کاهش رفتار ایدایی نشان داده است. مهارت های حل مسئله فرصت های گسترده ای را برای انبوهی از مهارت های اجتماعی و شناختی مانند نحوه مذاکره و همکاری در روابط بین فردی فراهم می کنند (مک هیل، کیم و وایتمن^۵، ۲۰۰۶؛ دان، ۲۰۰۷). وید و همکاران^۶ (۲۰۱۰) نیز در پژوهشی دریافتند که آموزش مهارت های حل مسئله موجب کاهش مشکل های رفتاری نوجوانان می شود. اکتون و دیورینگ^۷ (۲۰۱۴) در پژوهش خود دریافتند که آموزش مهارت های حل مسئله، مدیریت خشم و مهارت های ارتباطی، بر کاهش خشم فیزیکی و افزایش همدلی مؤثر است. تاجری (۱۳۹۵) نیز در پژوهش خود نشان داد آموزش مهارت حل مسئله میزان حساسیت بین فردی و پرخاشگری دانش آموزان را کاهش می دهد. از سوی دیگر مطالعه تاکر و فینکلهر (۲۰۱۷) بیانگر آن است که آموزش مهارت های اجتماعی به کودکان در حال رشد می تواند با افزایش رابطه گرم و مثبت و کاهش درگیری و رقابت و همچنین بهبود ماهیت تعاملات خواهر و برادر مؤثر باشد. همچنین با استفاده از این گونه آموزش ها فرزندان قادر خواهند بود تا دیدگاه های دیگران را درک کنند و راهکارهای مقابله با خشم و گزینه های سازنده برای جلوگیری از درگیری را بیاموزند. پژوهش فرنام (۱۳۹۷) با هدف اثربخشی آموزش مهارت حل مسئله و مدیریت خشم بر کاهش تعارضات والد-نوجوان نیز نشان داد که آموزش مهارت حل مسئله و مدیریت خشم بر کاهش تعارضات والد-نوجوان، پرخاشگری کلامی و پرخاشگری فیزیکی و نیز افزایش استدلال بین دانش آموزان پسر مؤثر بوده است. مهدوی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی به اثربخشی آموزش مهارت حل مسئله بر افزایش سازگاری اجتماعی و راهبردهای خودتنظیمی کودکان طلاق پی بردند. با این وجود هیچ مطالعه داخلی در حوزه آموزش مهارت حل مسئله بر تعارضات همشیران یافت نشد. در نتیجه هدف اصلی پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این سؤال اساسی است که آیا آموزش مهارت حل مسئله بر کاهش میزان تعارضات همشیران مؤثر است؟

1. D'zurilla & coldfried

2. D'Zurilla & Sheedy

3. Yeo et al

4. Dallnic

5. McHale, Kim & Whiteman

6. wade et al

7. Acton & During

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع آزمایشی و طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه آزمایش و گواه است. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه اول شهرستان کاشان در سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۹ بود. برای گزینش گروه نمونه، ابتدا از میان مدارس پسرانه دوره اول متوسطه شهرستان کاشان، دو مدرسه و از هر مدرسه ۳ کلاس انتخاب گردید و پس از اجرای پرسشنامه رابطه با خواهر/برادر (IBR و ISR) بر روی دانش‌آموزان این کلاس‌ها، تعداد ۳۰ نفر از آنان که بالاترین نمره را کسب کرده بودند گزینش و سپس به‌وسیله گمارش تصادفی در دو گروه گواه و آزمایش جایگزین شدند. معیارهای ورود به پژوهش عبارت بودند از: سن بین ۱۲ تا ۱۵ سال، داشتن حداقل یک خواهر یا برادر چهار سال به بالا، کسب نمره بالاتر از نقطه برش (۷۰ به بالا) در پرسشنامه رابطه با خواهر/برادر و ابراز رضایت آزمودنی‌ها بود و ملاک خروج از پژوهش نیز عدم حضور مستمر در جلسات آموزشی بود. ابزار مورد استفاده در پژوهش حاضر عبارت‌اند از:

پرسشنامه رابطه با برادر و رابطه با خواهر^۱ (ISR/IBR): این پرسشنامه توسط هودسون و همکاران^۲ (۱۹۹۵) طراحی شده و دارای دو فرم ۲۵ سؤالی است که برای اندازه‌گیری میزان یا شدت مشکلات فرد در رابطه با برادران و خواهران تدوین شده است و نمره‌گذاری آن بر اساس طیف لیکرت ۷ گزینه‌ای صورت می‌گیرد. این دو ابزار یکسان هستند، به‌جز اینکه بسته به شخص موردنظر فرد، از کلمه خواهر یا برادر استفاده می‌کند. نمره برش در این پرسشنامه نمره ۷۰ است و نمرات بالاتر از این تقریباً همیشه دلالت بر این دارند که فرد در این رابطه استرس شدیدی احساس می‌کند و احتمال بسیاری وجود دارد که برای حل مشکل با طرف مقابل نوعی خشونت در این رابطه مورد استفاده قرار می‌گیرد. آلفای کرونباخ این مقیاس ۰/۹۰ و ضریب بازآزمایی آن ۰/۶ گزارش شده است (ثنائی، ۱۳۸۷).

جلسات آموزشی و تمرین‌های عملی آن بر اساس الگوی دزوریلا و گلدفرید (۱۹۹۰) که شامل مراحل جهت‌گیری کلی، تعریف و صورت‌بندی حل مسئله، تولید راه‌حل‌های مختلف، تصمیم‌گیری در مورد انتخاب راه‌حل، اجرای راه‌حل و بازبینی است، طراحی و در ۸ جلسه ۶۰ دقیقه‌ای به مدت ۸ هفته تنظیم گردید و به‌صورت گروهی اجرا شد. خلاصه جلسه‌هایی که برای دانش‌آموزان اجرا شد به شرح زیر است:

^۱. Index of brother and sister Relation (IBR and ISR)

^۲. Hudson

جدول ۱. شرح جلسات آموزش مهارت حل مسئله

جلسه اول	شروع- معرفی اعضاء گروه-دعوت به صحبت آزاد- آشنایی دانش آموزان با پژوهشگر و فراهم کردن زمینه‌ی درک و تفاهم متقابل و بیان انتظارات پژوهشگر از دانش‌آموزان
جلسه دوم	انتخاب رویکرد صحیح نسبت به مسئله، اهمیت این مرحله در جایگاه اولین گام در حل مسئله در ابعاد شناختی و هیجانی قابل توجه است. استفاده از روش تفکر- توقف
جلسه سوم	تعریف دقیق مسئله یا مشکل، هدف از این آزمایش اولویت‌بندی مسائل برای مشخص شدن مسائل اصلی و کنار گذاردن مسائل کم‌اهمیت‌تر و غیر مرتبط است و مشخص شدن هدف یا اهدافی که قابل دسترس هستند.
جلسه چهارم	یافتن راه‌حل‌های متعدد بدون ارزیابی آن‌ها؛ پس از مشخص شدن مسئله اصلی با استفاده از روش بارش ذهنی.
جلسه پنجم	ارزیابی و انتخاب راه‌حل‌ها و اولویت‌بندی آن‌ها (استفاده از تکنیک دو ستونی)
جلسه ششم	در این مرحله، طبق الگوی حل مسئله چند نمونه از مشکلات افراد حاضر در کلاس تشریح شد و آزمودنی‌ها تشویق شدند به ارزیابی راه‌حل‌های پیشنهادی خود در خصوص مشکلات بپردازند.
جلسه هفتم	اجرای راه‌حل و بازبینی آن، در این مرحله به دانش‌آموزان آموزش داده شد که بهترین راه‌حل شناسایی شده، اجرا شود. در صورت موفقیت به خودشان تقویت و پاداش و در صورت عدم موفقیت مراحل بازبینی شده تا مشخص شود اشکال در کدام مرحله بوده است.
جلسه هشتم	مشاهده نتایج حاصل از اجرای پروتکل و ارزشیابی

یافته‌های پژوهش

اطلاعات توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) گروه‌های آزمایش و گواه به تفکیک مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۲. میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش در مرحله پیش‌آزمون- پس‌آزمون

متغیر	مرحله	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد
			گروه آزمایش		گروه کنترل	
	پیش‌آزمون	۱۵ نفر	۷۷/۶۶	۱۸/۵۶	۷۵/۲۶	۱۹/۷۰
تعارض همشیران	پس‌آزمون	۱۵ نفر	۳۵/۵۳	۱۰/۷۰	۷۴/۶۶	۲۰/۴۳

همان‌طور در جدول بالا مشاهده می‌شود، در گروه آزمایش میانگین نمرات تعارض همشیران در پس‌آزمون نسبت به پیش‌آزمون تغییر چشمگیری داشته است، در صورتی که در گروه گواه تغییر محسوسی به وجود نیامده است.

در ادامه به منظور تحلیل داده‌ها از آزمون تحلیل کوواریانس یک متغیره استفاده به عمل آمد. ابتدا انجام آزمون کلموگروف-اسمیرنوف به منظور بررسی نرمال بودن توزیع نمرات تعارض همشیران نشان داد که شرط نرمال بودن داده‌ها رعایت گردیده است ($P > 0.05$). هم‌چنین یکسانی واریانس متغیرهای وابسته از طریق آزمون لوین مورد بررسی قرار گرفت که نتایج آن در جدول زیر گزارش شده است.

جدول ۳. نتایج آزمون لوین

آماره F	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	معناداری
۰/۲۲۵	۱	۲۸	۰/۶۳۹

با توجه به اینکه سطح معناداری مقدار محاسبه شده لوین از ۰/۰۵ بزرگ تر است ($\text{sig}=0/639$, $F=0/225$) لذا مفروضه ی همگنی واریانس ها برقرار است لذا می توان از آزمون تحلیل کوواریانس استفاده کرد که نتایج این آزمون در جدول (۴) گزارش شده است.

جدول ۴. نتایج تحلیل کوواریانس یک متغیری

منبع	مجموع مجدورات	درجه آزادی	میانگین مجدورات	آماره F	sig
پیش آزمون	۴۵۵۵/۸۸۲	۱	۴۵۵۵/۸۸۲	۴۲/۴۵۸	۰/۰۰
گروه	۱۲۳۹۱/۴۰۶	۱	۱۲۳۹۱/۴۰۶	۱۱۵/۴۸۰	۰/۰۰
خطا	۲۸۹۷/۱۸۴	۲۷	۱۰۷/۳۰۳		

همان طور که در جدول بالا نشان داده شده است، پس از تعدیل میانگین نمرات پس آزمون به وسیله ی حذف اثر پیش آزمون، مداخله ی آزمایشی در مرحله ی پس آزمون، موجب تأثیر معنی دار ($\text{sig}=0/000$, $F=115/480$) در نمرات تعارض همشیران شده است و آموزش مهارت های حل مسئله موجب کاهش تعارضات همشیران شده است.

هم چنین در این پژوهش ارزیابی تعارض همشیران در یک دوره پیگیری ۶۰ روزه نیز انجام گرفت و نتایج حاکی از ماندگاری اثر آموزش مهارت حل مسئله در آزمودنی ها بود.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی آموزش مهارت حل مسئله بر کاهش میزان تعارضات بین همشیران انجام گرفت. نتایج به دست آمده نشان داد که برنامه مداخله مبتنی بر حل مسئله در کاهش تعارضات همشیران مؤثر واقع گردیده است و با نتایج پژوهش های جانستون و فریمن (۱۹۹۸)؛ ییو و همکاران (۲۰۰۵)، دالینک و همکاران (۲۰۰۶)؛ مک هیل، کیم و وایتمن (۲۰۰۶)، دان (۲۰۰۷)؛ وید و همکاران (۲۰۱۰)؛ اکتن و دیورینگ (۲۰۱۴)؛ تاجری (۱۳۹۵)؛ تاکر و فینکلهر (۲۰۱۷)؛ فرنام (۱۳۹۷)؛ مهدوی و همکاران (۱۳۹۸) همسو است.

در تبیین یافته این پژوهش می توان گفت یکی از اساسی ترین فرایندهای تفکر، مهارت حل مسئله است که در جهت تسهیل مقابله مؤثر در شرایط تنش زا کمک می کند و سلامت روانی اجتماعی افراد را بهبود می بخشد. آموزش این مهارت به افراد، به ایجاد روابط بین فردی مناسب، مهار هیجانات، مدیریت شرایط تهدید کننده و حل تعارض بین فردی کمک کرده و باعث می شود تا فرد در تعارضات و موقعیت های چالش برانگیز، از به کارگیری راه حل های سریع و تکنیکی صرف نظر و به گونه ای ساختاریافته و هدفمند عمل کند (رادمهر و حسین خانداده، ۱۳۹۷).

همچنین آموزش حل مسئله به عنوان یکی از شیوه‌های مفید و کارآمد خویش‌داری، به نوجوانان کمک می‌کند در برابر خواسته‌های بین فردی و اجتماعی واکنش بهتری از خود نشان دهند و در برابر برانگیختگی‌های محیطی کمتر تحریک شوند. در واقع آن‌ها با کمک مهارت حل مسئله از هدف تلافی کردن، انتقام‌جویی، پرخاشگری کلامی و عملی به سمت انتخاب اهداف مطلوب اجتماعی مثل آرامش داشتن، گذشت و سازگاری کردن و استفاده از راهبردهای حل مسئله اجتماعی تغییر وضعیت می‌دهند. آموزش مهارت حل مسئله افراد را تشویق می‌کند که برای حل مسئله، گزینه‌ها و راه‌حل‌های مختلفی را برگزیده و به کارگیرند و در نتیجه در روابط بین فردی خود تعارض کمتری را احساس کنند (اولورن‌فمی-الایسی^۱، ۲۰۱۴). از سوی دیگر مهارت حل مسئله به عنوان یک راهبرد شناختی-رفتاری، هم بر جنبه‌های شناختی و هم رفتاری تأکید دارد و همچون سپری در برابر وقایع منفی عمل می‌کند (سگول و همکاران^۲، ۲۰۱۳) و انتخاب بهترین و مؤثرترین راه‌حل از بین گزینه‌های موجود، منجر به استقرار و کنش‌وری سازشی در فرد می‌شود (رادمهر و حسین‌خانزاده، ۱۳۹۷).

از سوی دیگر آموزش مهارت حل مسئله با افزایش توانایی استدلال در افراد و آموزش دادن به افرادی که نمی‌توانند یا نمی‌خواهند مشکل را از طریق گفت‌وگو حل کنند، کمک مؤثری به آن‌ها خواهد کرد تا از استدلال کمک گرفته و تعارضشان را برطرف کنند؛ بنابراین مهارت حل مسئله می‌تواند از طریق فنون و راهبردهایی که به افراد می‌دهد، به آن‌ها کمک کند تا تعارضات و مشکلات خود را شناخته و با استفاده از فنون حل مسئله تصمیم‌های منطقی و مناسبی را برای رفع آن‌ها اتخاذ کنند. آموزش مهارت حل مسئله به افراد این امکان را می‌دهد تا همیشه به یافتن راه‌حل‌های متنوع فکر کنند، از انعطاف‌پذیری فکری برخوردار شده، قدرت تأمل بیابند، از اعمال تکنانشی پیشگیری نموده، توانایی پیش‌بینی پیامدها و نتایج احتمالی اعمال خود را پیدا کنند و به سازگاری و انطباق اجتماعی بهتری برسند. درواقع افراد با داشتن مهارت حل مسئله در انجام تصمیم‌گیری‌های صحیح، حل تعارض‌ها و کشمکش‌ها بدون توسل به اعمالی که به خود یا دیگران صدمه بزنند و درنهایت ایجاد روابط بین فردی مناسب و مؤثر توانمند می‌شوند.

درمجموع نتایج پژوهش نشان داد که آموزش مهارت حل مسئله بر کاهش تعارضات خواهر و برادری مؤثر بوده است و تغییرات ایجادشده در کاهش این تعارضات در مرحله پیگیری نیز ادامه داشت. این پژوهش نیز با محدودیت‌هایی روبرو بوده است؛ از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به این نکته اشاره کرد که پژوهش حاضر بر روی دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه اول شهرستان کاشان صورت پذیرفته، به دلیل تفاوت‌های جنسیتی و نقش عوامل زمینه‌ای بایستی نتایج آن با احتیاط تعمیم داده شود. با توجه به نتایج پژوهش و نیز نقش و اهمیت مهارت‌های حل مسئله در ارتقای کیفیت روابط خواهر و برادری و حل مشکلات زندگی به پژوهشگران آتی پیشنهاد می‌شود در مقاطع دیگر تحصیلی برای دختران و به صورت مقایسه‌ای انجام پذیرد.

تشکر و قدردانی

بدین وسیله از تمام دانش‌آموزان حاضر در پژوهش و مربیانی که در انجام این تحقیق به ما یاری رساندند قدردانی به عمل می‌آید.

¹. Olorunfemi-Olabisi

². Segool

منابع

- احسان خواه، هستی؛ حیدریان، معصومه. (۱۳۹۸). مقایسه‌ی اختلال ضعف روانی و شیوه‌های حل مسئله و نگرانی در بین پرستاران زن دارای اختلاف خانوادگی و عادی شهر کرمانشاه. *پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری*، ۴ (۳۶)، ۸۲-۱۰۱.
- اسپانگین، پت و ریچاردسون ویکتوریا (۲۰۰۵). کلیدهای تربیت کودکان و نوجوانان (راهنمای بهبود روابط خواهر و برادری) ترجمه‌ی ترجمه‌ی رئیسی توسی (۱۳۸۶). تهران: صابرین.
- پارسا، نکیسا؛ احمدپناه، محمد؛ پارسا، پریسا و قلعه‌ایها، علی (۱۳۹۳). بررسی ارتباط روابط عاطفی بین والدین و فرزندان بر روی سازگاری تحصیلی دانشجویان سال اول دانشگاه علوم پزشکی همدان. *مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی ایلام*، ۲۲ (۴)، ۸۳-۹۰.
- تاجری، بیوک (۱۳۹۵). اثربخشی آموزش مهارت حل مسئله بر حساسیت بین فردی و پرخاشگری دانش‌آموزان. *روانشناسی مدرسه*، ۳۹-۵۵، (۳)۵.
- ثنائی، باقر. (۱۳۸۷). مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج. تهران: بعثت.
- حسن نیا، صادق؛ فرح بخش، کیومرث؛ کرم رازی، هادی؛ دوستیان، یونس و وازپور، شبنم (۱۳۹۳). تعارضات خواهر- برادری، جنسیت و الگوهای فرزندپروری در دانش‌آموزان. *فرهنگ مشاوره و روان درمانی*، ۱۹ (۵)، ۱۸-۳۲.
- دانش، عصمت؛ سلیمی نیا، نرگس؛ فلاحتی، حوا؛ سابقی، لیلا و شمشیری، مینا (۱۳۹۳). اثربخشی آموزش گروهی مهارت حل مسئله بر سازگاری دختران نوجوان ناسازگار. *فصلنامه روانشناسی کاربردی*، ۸ (۲)، ۲۳-۴۰.
- دریکورس، رودلف (۲۰۰۰). روش‌های نوین رفتار با کودکان. ترجمه‌ی توتونچیان (۱۳۸۸). تهران: ثامن الائمه.
- رادمهر، فرشته؛ حسین‌خانزاده، عباسعلی (۱۳۹۷). نقش مهارت‌های حل مسئله و خودکار آمد پنداری در تبیین رفتارهای پرخطر دانش‌آموزان. *سلامت روان کودک (روان کودک)*، ۳ (۵)، ۱۵۷-۱۶۹.
- شهبازی، سارا و حیدری، محمد (۱۳۹۱). تأثیر آموزش الگوی حل مسئله اجتماعی دزوریل و گلد فراید بر مهارت حل مسئله دانشجویان پرستاری. *نشریه پرستاری ایران*، ۲۵ (۷۶)، ۹-۱.
- فرنام، علی (۱۳۹۷). اثربخشی آموزش مهارت حل مسئله و مدیریت خشم بر کاهش تعارضات والد - نوجوان در بین دانش‌آموزان پسر. *مجله مطالعات روانشناسی تربیتی*، ۱۵ (۲۹)، ۱۷۶-۱۴۹.
- کندی، میشل (۲۰۰۵). حسادت کودکان. ترجمه حسنا شم بیاتی، (۱۳۸۶). تهران.
- مهدوی، عابد؛ گلستانی، علیرضا؛ آقائی، مریم؛ همتی راد، گیتی؛ حاج حسینی، منصوره؛ غلامعلی لواسانی، مسعود؛ سپهر یگانه، شهربانو و قربانی نیا، فاطمه‌سادات (۱۳۹۸). اثربخشی آموزش مهارت حل مسئله بر افزایش سازگاری اجتماعی و راهبردهای خودتنظیمی کودکان طلاق. *مجله مطالعات روانشناسی تربیتی*، ۱۶ (۳۳)، ۱۵۷-۱۷۰.
- Acton, R.G., & During, S. (2014). Preliminary results of aggression management training for aggressive parent. *Journal of Interpersonal Violence*, 7, 410-417.
- Bowes, L. N., Wolke, D., Joinson, C. J., Lereya, T. S., & Lewis, G. (2014). Sibling bullying and risk of depression, anxiety and self-harm: A prospective cohort study. *Pediatrics*, 134, 1032-39.
- Brody, G. H., & Stoneman, Z. (1987). Sibling conflict: Contributions of the siblings themselves, the parent-sibling relationship, and the broader family system. In F. F. Schacter & R. K. Stone (Eds.), *Practical concerns about siblings: Bridging the researchpractice gap* (pp. 39-53). New York, NY: Haworth.

- Bullock, B. M., Bank, L., & Burraston, B. (2002). Adult sibling expressed emotion and fellow sibling deviance: A new piece of the family process puzzle. *Journal of Family Psychology*, 16, 307–317.
- Caspi J. (2012). Sibling aggression: assessment and treatment. New York: Springer Publishing Company, 1-23.
- Dallnic, A., Smith .S .W. Brank .E.M., Penfileld .R .D. (2006). Classroom – based Cognitive – Behavioral in intervention to prevent aggression: Efficiency and Social Validity. *Journal School Psychology*, 44, 39 -123.
- Dunn, J. (2007). Siblings and socialization. In J. Grusec & P. Hastings (Eds.), *Handbook of socialization: Theory and research* (pp. 309–327). New York, NY: Guilford.
- Dunn, J., & Munn, P. (1986). Sibling quarrels and maternal intrvention: Individiaul differences inundersstanding and aggression. *Journal of Child Psychology and Psychiatry and AlliedDisciplines*, 27, 5, 583-595.
- D'Zurilla, T.J., Sheedy, CF. (1991). Relation between social problem-solving ability and subsequent level of psychological stress in college students. *J Personal Soc Psychol*, 61(5), 841.
- Furman, W., & Buhrmester, D. (1985a). Children's perceptions of the personal relationships in their social networks. *Developmental Psychology*, 21, 1016– 1024.
- Furman, W., & Buhrmester, D. (1985b). Children's perceptions of the qualities of sibling relationships. *Child Development*, 56, 448–461.
- Garcia, M. M., Shaw, D. S., Winslow, E. B., & Yaggi, K. E. (2000). Destructive sibling conflict and the development of conduct problems in young boys. *Developmental Psychology*, 36, 44–53.
- Harper, JM., Padilla-Walker, L.M., Jensen, A.C. (2016). Do siblings matter independent of both parents and friends? Sympathy as a mediator between sibling relationship quality and adolescent outcomes. *J Res Adolesc*, 26(1), 101–114.
- Huber, J. S. (2010). The mediating effect of sibling warmth on parental stress in families with children who have attention deficit hyperactivity disorder. Florida: The Florida State University.
- Hudson, W., MacNeil, G., Dierks, J. (1995). Six new assessment scales: A partial validation. Tempe, AZ: Walmyr Publishing Co.
- Johnston, C., & Freeman, W. S. (1998). Parent training interventions for siblingconflict. InJ.M. Briesmeister& C.E.Schaefer (Eds.), *Handbook of parenting: Parents as co-therapists for children's behavior problems* (pp. 153–176). New York, NY: John Wiley & Sons, Inc.
- Kim, J., McHale, S. M., Crouter, A. C., & Osgood, D. W. (2007). Longitudinal linkages between sibling relationships and adjustment from middle childhood
- Kramer, L. (2004). Experimental interventions in sibling relations. In R. D. Conger, F. O. Lorenz, & K. A. S. Wickrama (Eds.), *Continuity and change in family relations: Theory, methods, and empirical findings* (pp. 345–380). Mahwah, NJ: Erlbaum.
- McHale, S. M., Kim, J., & Whiteman, S. D. (2006). Sibling relationships in childhood and adolescence. In P. Noller & J. A. Feeney (Eds.), *Close relationships: Functions, forms, and processes* (pp. 127–149). Hove, England: Psychology Press/Taylor & Francis
- Nezu, C.M., D'zurilla, TJ. (2005). Problem solving therapy, practice and Application. Sex offenders. In mcmurranM & MCGuire, J (Eds) *social problem solving and offending sarason IG. Introduction to the study of text anxiety*. In: sarason IG, editor.

- Olorunfemi-Olabisi, FA. (2014). Effects of Problem-Solving Technique on Test Anxiety and Academic Performance among Secondary School Students in Ondo State. *J Res Method Edu*, 4(4), 20-26.
- Prochaska, J. M., & Prochaska, J. O. (1985). Children's views of the causes and "cures" of sibling rivalry. *Child Welfare: Journal of Policy, Practice, and Program*, 64, 427-433.
- Schröder, J., Schmiedeberg, C. (2015). Effects of relationship duration, cohabitation, and marriage on the frequency of intercourse in couples: Findings from German panel data. *Soc Sci Res*, 52, 72-82.
- Schvaneveldt, J. D., & Ihinger, M. (1979). Sibling relationships in the family. In W. R. Burr, R. Hill, F. I. Nye, & I. L. Reiss (Eds.), *Contemporary theories about the family* (Vol. 1, pp. 453-467). New York: The Free Press.
- Segool, N., Carlson, J., Goforth, A., von der Embse, N., Barterian, J. (2013). Heightened test anxiety among young children: Elementary school students' anxious responses to high-stakes testing. *Psychol Sch*, 50(5), 1- 14.
- Stocker, C. M., Burwell, R. A., & Briggs, M. L. (2002). Sibling conflict in middle childhood predicts children's adjustment in early adolescence. *Journal of Family Psychology*, 16, 50-57.
- Stocker, C. M., Burwell, R. A., & Briggs, M. L. (2002). Sibling conflict in middle childhood predicts children's adjustment in early adolescence. *Journal of Family Psychology*, 16, 50-57.
- Straus, M. A., Gelles, R. J., & Steinmetz, S. K. (2006). *Behind closed doors: Violence in the American family*. New Brunswick, NJ: Transaction. (Original work published 1980)
- Tucker, C. J., & Finkelhor, D. (2017). The state of interventions for sibling conflict and aggression: A systematic review. *Trauma, Violence, & Abuse*, 18(4), 396-406.
- Tucker, C. J., & Kazura, K. (2013). Parental responses to school-aged children's sibling conflict. *Journal of Child and Family Studies*, 22(5), 737-745.
- Tucker, C. J., Finkelhor, D., Turner, H., & Shattuck, A. (2013). Association of sibling aggression with child and adolescent mental health. *Pediatrics*, 132, 79-84.
- Van Langeveld, A. C. (2010). *Sibling Relationships, Stress and Well-being during Early Adolescence*. Brigham Young University.
- Wade, Sh. L., Walz, N.C., Carey, J., Mc Mullen, K. M., Cass, J., Mark, E., Yeates, K. O. (2010). Effect on behavior problem of teen online problem-solving for adolescent traumatic brain injury. *Oct. Pediatrics*, 128(4), 947-953.
- Yeo, S. L., Wong, M., Gerken, K., Ansley, T. (2005). Children with sever emotional and / or Behavior disorder. *Childcare Lec*, 11, 7 - 22.